

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دکتر صولت نگی
برگردان: آمادور نویدی
۰۹ می ۲۰۲۴



دکتر صولت نگی

فلسطین آزادی و دموکراسی دروغین غربی را برملا ساخت



فلسطین آزادی اورولینی و دموکراسی غربی را برملا ساخت

پولونیوس در شکسپیر از هملت سوال می‌کند: «سرورم چه می‌خوانی؟ هملت پاسخ می‌دهد: «کلمه‌ها، واژه‌ها، گفته‌ها». امروزه هم این امر دقیقاً در مورد آزادی غرب و دموکراسی دروغین آن صدق می‌کند، گفته‌هایی که صرفاً بدون هیچ مفهوم و محتوایی است.

هربرت مارکوزه، چندین دهه پیش، در گفته پیش‌گویانه خود، واقعیت آزادی دموکراتیک غرب را برملا ساخت. وی گفت: «در تمدن صنعتی پیش‌رفته غرب یک عدم آزادی راحت، روان، مناسب و دموکراتیک فرمان‌روایی می‌کند...». آن وضعیت غرب، به علت وجود اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی (USSR) و تهدید سوسیالیسم بود.

متعاقب تخریب شوروی، امریکا به تنها ابرقدرت جهان تبدیل شد. فوکویاما پایان تاریخ را اعلام نمود، ساموئل هانتینگون، تئوری نامفهوم و ترجیحاً مبتذل برخورد تمدن‌ها را ارائه داد و سلمان رشدی در حمله به پیغمبر اسلام با دیدگاه ظالمانه خود، داستانی جنجالی نوشت، و بر برخورد تمدن‌های هانتینگون، در دنیای اورولینی و فارغ از عشق، مهر تأیید گذاشت.

بی‌تدبیری خمینی به سلمان رشدی مقام سلحشوری (knighthood) را تقدیم نمود که رؤیایش به واقعیت پیوست، و همزمان به تئوری جعلی برخورد تمدن‌ها اعتباری جعلی داد. این طرحی از پیش آماده شده جهت ایجاد نفرت علیه مسلمانان، اسلام هراسی، و تحریک یا ایجاد واکنشی متقابل از طرف مذهبی‌ها بود.

درست همانند فلم‌های هالیوودی، اسامه بن لادن و همقطارانش، ساخت امریکا بودند و امریکا سرشت وجودی اسب‌های تراوای (Trojan horses) خویش را می‌دانست. حمله‌ای که انتظارش را می‌کشیدند در ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ در امریکا به وقوع پیوست. فاجعه یا حمله‌ای دقیقاً مهندسی شده، و کاملاً ناب که چشم‌انتظارش بودند، تا کل جامعه مسلمان را بدنام کرد.

این حمله تروریستی درها را برای امریکا و اسرائیل جهت سرنگونی رهبری پوپولیستی کشورهای خاورمیانه باز نمود تا همه کشورهای را سرنگون سازند که زمانی با شوروی‌ها همسو بودند و آشکارا با حمایت از دولت فلسطین، مشروعیت اسرائیل را به نبرد فرا می خواندند. هنگامی که همه آن‌ها با مداخله آشکار و نهان امریکا سرنگون شدند، همه تهدیدات نسبت به مشروعیت اسرائیل خاتمه یافت. پیمان ابراهیم سرنوشت فلسطینی‌ها را مهروموم کرد.

به‌هرحال، تاریخ هیچ‌گاه از مسیر دیالکتیکی خود خارج نمی‌شود، و محور جدیدی از مقاومت به‌وجود می‌آورد، مانند سربازان «خوب تغذیه شده» هندی که آغازگر جنگ استقلال‌طلبانه در سال ۱۸۵۷ بودند.

حماس، که توسط اسرائیل ساخته شده بود، خود را به یک نیروی انقلابی توسعه داد. وقتی که پرنس فییه‌به‌سر سعودی تصمیم گرفت اسرائیل را به رسمیت بشناسد، و نتانیا هو، گستاخانه در سازمان ملل متحد، آشکارا، احتمال ایجاد دو کشور «جعلی»، را رد نمود، خلق فلسطین را نباید به خاطر اشتباهی که کرده سرزنش نمود، زیرا دیگران با آن بدرفتاری کرده اند» (اشاره به گفته های ویلیام شکسپیر)، و بنابراین آن‌ها هیچ چاره ای نداشتند، مگر این‌که پرچم شورش را بالا ببرند.

قیام فلسطینی‌ها خودجوش نبود، بل که قیامی بخوبی طراحی و سازمان‌دهی شده بود، و جنگ‌جویان آزادی‌خواه، جهت نبرد با اسرائیل- دارنده پیش‌رفته‌ترین ارتش جهان از لحاظ فن‌آوری- صفحه‌ای از نوشته‌های چه‌گوارا (Che Guevara) و ژانرال گیاپ (General Giap) را به کار گرفتند.

فلسطینی‌ها از قبل، نکات ضعف و قدرت دشمن (اسرائیل)، مدت احتمالی جنگ، منابعی که در اختیار داشتند، و قدرت متحدانشان را از طریق جنگ چریکی رود در رو با اسرائیل سنجیده بودند.

امروز، غزه به ویتنام دوم تبدیل شده است، و قتل‌عام‌های وحشتناک مای لای نرمال شده است. بیش از ۳۳ هزار فلسطینی غیرنظامی بی‌گناه، از جمله، ۱۵ هزار کودک را با خون‌سردی کشته اند. خلق فلسطین (غزه) را با گرسنگی‌دادن می‌کشند. این یک قطعی عمدی و ساخته دست بشر است که ملازم و در سرشت رژیم‌های استعماری‌ست.

امپریالیسم بریتانیا در سال ۱۹۴۵، بین ۳ تا ۶ میلیون بنگالی را در هند متحد با گرسنگی‌دادن کُشتند. بریتانیایی‌های متمدن، بین سال‌های ۱۸۴۵ و ۱۸۵۲، یک میلیون ایرلندی را با گرسنگی‌دادن کُشتند.

اظهارش شده و در تاریخ مستند شده که انگلیس‌ها (بریتانیایی‌ها) «متمدن»، کم و بیش ۹ میلیون از ایرانی‌ها را از طریق ایجاد قحطی مصنوعی (با خرید و کنترل آرد، گندم، ذرت، جو و مواد غذایی برای خورد و خوراک سربازانشان)، با گرسنگی دادن کشته اند. جسد‌های ایرانی‌ها- قربانیان گرسنگی عمدی- با داشتن علف در دستانشان دیده و مستند شده است، اما این روزها، کمتر کسی به جنایت‌های انگلیس‌های متمدن می‌پردازد. (آ-ن)

تاریخ از ۷ اکتوبر ۲۰۲۳، ماه انقلاب فلسطینی‌ها شروع نشد. اما، آغاز فروپاشی صهیونیسم در آن روز با ندائی بلند اعلام شد. حمله حماس برای نهاد اسرائیلی، موهبی پنهانی جهت قتل‌عام و پاکسازی کل جمعیت نوار غزه بود، اما تاریخ ویژگی‌های غیرقابل‌تصور خود را دارد.

هیرارشی اسرائیل با خودخواهی‌اش فراموش کرده است که ارتش اسرائیل، ارتشی خرده بورژازی است و قادر نیست با جنگ چریکی مقابله کند، به ویژه علیه آن‌هایی که چیزی برای از دست دادن ندارند به جز زنجیرهایشان.

جنگ اسرائیل علیه فلسطینی‌های غزه، وارد هفتمین ماه خود شده است، اما اسرائیل علی‌رغم ایجاد ویرانی‌های فراوان، نه قادر شده است یکی از رهبران برجسته مقاومت فلسطین را شکار کند و نه هیچ‌کدام از گروه‌هایش را آزاد نماید.

به‌غیراز انصارالله (حوثی‌های یمن)، تنها عرب‌هایی که برای رهائی فلسطینی‌ها نبرد می‌کنند، و زندگی نیروهای امپریالیستی را جهنم کرده اند، نیروهای مقاومت عراقی و سوری، ضربات خاصی به امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها زده‌اند، اما کافی نیست که به هژمونی امریکا و اسرائیل، خراشی وارد کنند.

حزب الله در شمال اسرائیل، بخش عمده ای از نیروهای دفاعی اسرائیلی (IDF) را درگیر کرده است. حسن نصرالله، لنین اسلامی نورمن فینکلشتاین (Norman Finkelstein)، با کارت‌های نزدیک به سینه‌اش بازی می‌کند. از نظر نصرالله، «اسرائیل تار عنکبوتی‌ست که می‌توان با فوتی نابودش کرد»، ببری کاغذی مائوست که کاملاً به حمایت امریکا منتهی‌ست.

این تصور کلی که (اسرائیل) سگ دُمنجانبان (امریکا) است، اشتباه است. این مورد به عکس است. زیرا که امریکا علی‌رغم محکومیت اسرائیل توسط دادگاه بین‌المللی لاهه و خواست شورای امنیت سازمان ملل جهت توقف جنگ نسل‌کشی‌اش علیه فلسطینی‌ها، حتی یک گام جهت توقف قحطی و بمباران غزه برنداشته است.

با این حال، به‌غیراز عرب‌ها، بقیه جهان، به‌ویژه کشورهای جنوب جهانی، علناً از فلسطینی‌ها حمایت کرده و می‌کنند- مانند مبارزه سیاه‌پوست‌های افریقای جنوبی علیه آپارتاید اقلیت سفیدپوست- که هم‌اکنون افریقای جنوبی نیز شجاعانه پرونده نسل‌کشی علیه اسرائیل را به دادگاه بین‌المللی کیفری (ICJ) کشانده است- و این امر اسرائیل را به‌گونه ای در سراسر جهان منزوی ساخته که حتی حامیان سفت و سخت او نیز در امان نیستند.

در حال حاضر، نیکار آگونه نیز، المان را به خاطر هم‌دستی با اسرائیل در نسل‌کشی فلسطینی‌ها به دادگاه بین‌المللی لاهه کشانده است. کلمبیا هم نامش را به لیست اضافه نموده است و افریقای جنوبی در صدد است که امریکا را به همین دادگاه لاهه بکشاند.

در شش ماه گذشته، هر هفته، هزاران نفر از اقشار مختلف در استرالیا در راهپیمایی‌های روزهای یکشنبه با حامیان فلسطین شرکت کرده و می‌کنند.

در حال حاضر هم، گروهی به نام «آکسیون ۱۵» (A15 Action)، جهت ضربه زدن به اقتصاد کشور، با مسدود کردن چرخ‌های تولیدی، گرچه با بازدهی کم، شروع به مسدود کردن شریان‌های حیاتی سرمایه‌داری کرده اند. از روز دوشنبه ۱۵ اپریل، در همه پایتخت‌های ایالت‌ها، زیرساخت‌های اقتصادی به سلاح سیاسی تبدیل شده اند که منجر به خطری بزرگ برای تجارت می‌گردد، که به این امر چوک پوینتس «choke points» می‌گویند.

حمله اسرائیل به سفارت ایران در دمشق حتی اوضاع را پیچیده تر کرده است. خلاف خواست رژیم فرومانده اسرائیل، پاسخ ایران «بااطمینان مضاعف»، مانع ورود امریکائی‌ها به جنگ شد.

پاسخ ایران که اخلاقاً خیلی دقیق، و بدون ایجاد تلفات انسانی طراحی شده بود، به سمت پای‌گاه‌های اسرائیلی روانه گردیدند. حمله پهپادهای انتحاری (کامیکازی) ارزان‌قیمت ایران که نقش مخربی در جنگ ناتو- اوکراین-روسیه بازی کرده‌اند، و به دنبال آن‌ها راکت‌هایی که نه فقط به گنبد آهنین اسرائیل نفوذ کردند، بل که دو پای‌گاه اسرائیلی- یکی در صحرای نقب و دیگری را در شمال اسرائیل نابود ساختند، و بدین‌گونه شکست‌ناپذیری اسرائیل را خدشه‌دار کردند.

تضادهای داخلی اسرائیل به‌همان اندازه برای بقایش مرگبار است. خصوصی‌سازی‌های گسترده دارائی‌های عمومی، مخارج بالای زندگی در وضعیت همیشه جنگی و مناقشه بین گروه‌های سکولار و مذهبی‌ها منجر به بی‌ثباتی دائمی گردیده است. در حال حاضر، اقدام رُبودن قدرت از دست قوه قضائیه اسرائیل، بین مردم نیز جدائی انداخته است. نباید فراموش کنیم که اسرائیل یک ملت نیست. متشکل از ارادل و اوباشی است که از سراسر جهان بر مبنای کینه‌نژادی گرد هم آمده‌اند.

اسرائیل فاقد مرز و قانون اساسی است. قانون اساسی اسرائیل به‌دلیل سرشت شهرک‌نشین استعماری‌اش بر پایه نیازهای توسعه‌طلبانه آن تعریف می‌شود.

ممکن است که اتهامات فساد علیه نتانیاها در طولانی شدن جنگ نقشی داشته باشد، اما فساد بخشی جدائی‌ناپذیر از سیستم سرمایه‌داری است.

هر یهودی اسرائیلی تشنه به‌خون فلسطینی‌ها، و خواهان نسل‌کشی آن‌هاست. آیا نسل‌کشی جنایتی بزرگتر از فساد مادی نیست؟

اسرائیل جامعه‌ای تهوع‌آور و رو به نابودی است، جایی که بهبودی بیمار و بیماری جامعه، یکدیگر را کامل می‌کنند. به‌نظر غسان کنفانی، نمی‌توان مسئله فلسطین را به‌طور جداگانه از کل وضعیت اجتماعی و سیاسی جهان عرب حل نمود. به‌لحاظ دیالکتیکی، این امر درست است. اما، توگویی که مسئله فلسطین با شمار فداکاری‌های خلق آن، وضعیت اجتماعی و سیاسی کل جهان عرب را حل می‌کند. زیرا به گفته غسان کنفانی: «انسان»، «ناگهان متولد می‌شود- در لحظه‌ای، کلمه‌ای معنادار از گفتار یا نوشتار در قلبش نفوذ می‌کند و به وی ضربان جدیدی می‌دهد.»

درباره نویسنده:

*دکتر صولت نگی، آکادمیک مستقر در سیدنی- استرالیا است و مؤلف کتاب‌هایی درباره سوسیالیسم و تاریخ است. آخرین کتابش «جمهوری‌های خدا: ایجاد و تخریب اسرائیل و پاکستان» است که می‌توان از آمازون در آدرس زیر تهیه نمود:

Amazon.com

با ایشان می‌توان با ایمیل زیر تماس گرفت:

saulatnagi@hotmail.com

برگرداننده شده از:

Palestine exposes the Orwellian freedom & Western democracy

APR 18, 2024

https://saulat.substack.com/p/palestine-exposes-the-orwellian-freedom?utm_source=post-email-title&publication_id=2255471&post_id=143706897&utm_campaign=email-post-title&isFreemail=true&r=2qtbeq&triedRedirect=true&utm_medium=email